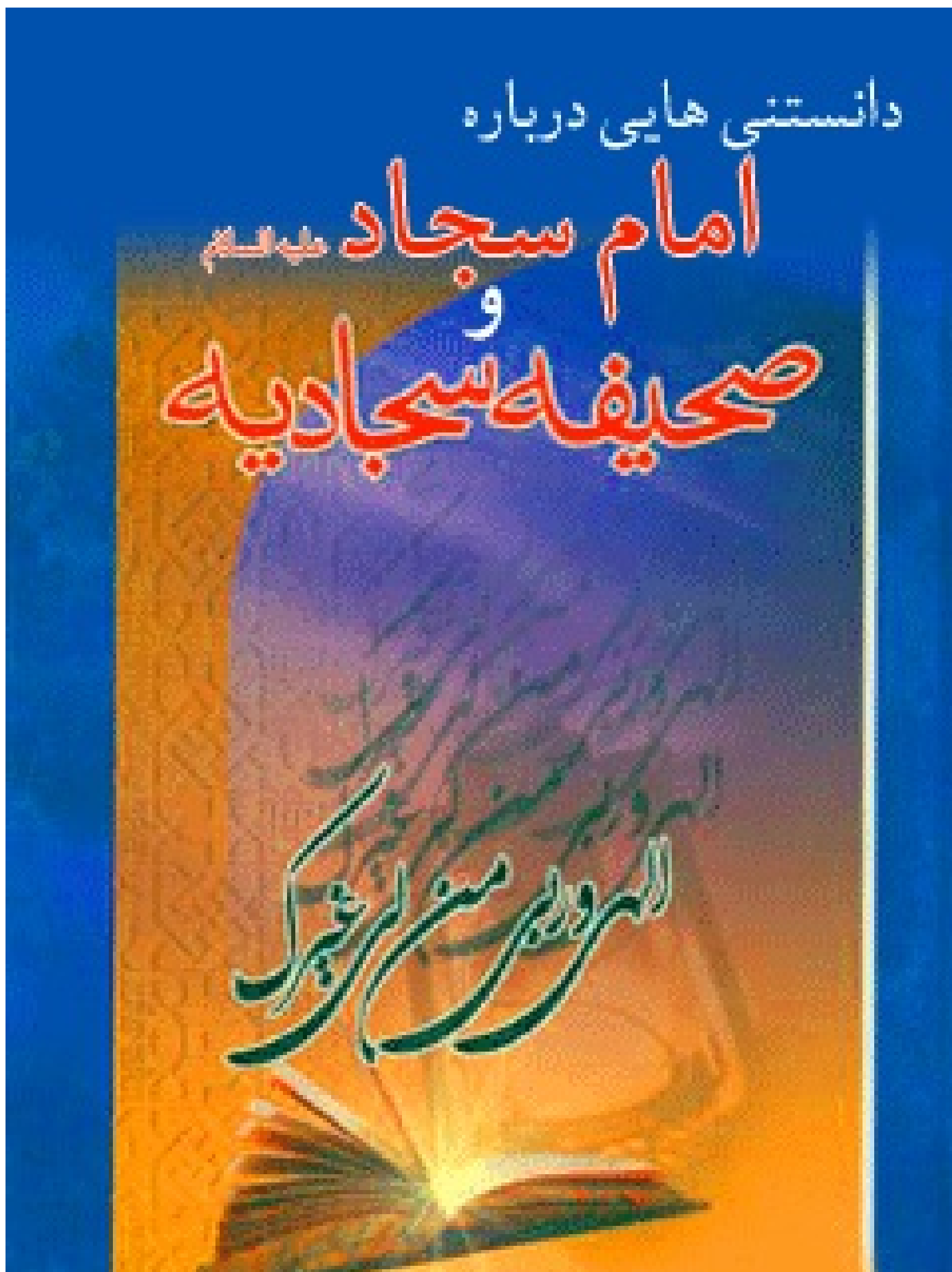








دانستنی های درباره امام سجاد علیه السلام و صحیفه ی سجادیه

نویسنده:

سید امیرحسین کامرانی راد

ناشر چاپی:

ماهنامه گلبرگ

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
دانشتنی هایی درباره امام سجاد علیه السلام و صحیفه سجادیه	۱۰
مشخصات مقاله	۱۰
اشاره	۱۰
لقب های برازنده امام سجاد علیه السلام	۱۰
نگاهی به دوران زندگی امام سجاد علیه السلام	۱۰
اشاره	۱۰
بیمار مصلحتی کربلا	۱۱
امام در دوران اسارت	۱۱
امام در دوران قیام و سازندگی	۱۱
زنده نگه داشتن یاد و خاطره عاشورا	۱۱
پند و ارشاد	۱۲
نشر احکام و آثار تربیتی و اخلاقی	۱۲
کانون تربیتی	۱۲
حکومت سیاه عبدالملک	۱۲
اشاره	۱۲
کارنامه ولید بن عبدالملک	۱۳
اشعار فرزددق	۱۳
شرایط و رسالت ها در عصر امام زین العابدین	۱۳
امام سجاد، قهرمان مبارزه با تهاجم فرهنگی	۱۴
علت قیام نکردن امام سجاد	۱۴
سیاست امام سجاد در ترویج اسلام ناب	۱۵
اشاره	۱۵

۱۵	زنده نگه داشتن یاد و خاطره عاشورا
۱۵	پند و ارشاد
۱۵	برخورد و مبارزه با عالمان درباری
۱۵	امام سجاد و روشن‌گری در هر فرصت ممکن
۱۶	نقش امام سجاد در تربیت موالی
۱۶	امام سجاد و مردم‌گرایی
۱۷	پاسخ‌گویی بدی به نیکی
۱۷	دلیل دعا محوری امام سجاد
۱۷	دلیل گریه‌های امام سجاد از نگاه شهید مطهری
۱۸	امام سجاد و نجات شیعیان
۱۸	زینت پارسایان
۱۸	سفیر نهضت حسینی
۱۸	عبادت امام زین العابدین
۱۸	فرجام گستاخی به کلام پیامبر
۱۹	سیر و سلوک امام سجاد
۱۹	سیره‌ی سید العابدین
۱۹	گذشت امام چهارم
۲۰	دستگیری از درماندگان
۲۰	سکوت از نظر امام زین العابدین
۲۰	سفارش به ابو حمزه ثمالی
۲۰	امام زین العابدین در هنگام اقامه نماز
۲۰	فخر امام زین العابدین
۲۱	آزمایش الهی از دیدگاه امام زین العابدین
۲۱	علم امام زین العابدین

۲۱	بردباری و حلم امام
۲۱	نمونه‌ای از حلم و گذشت امام زین‌العابدین
۲۱	شجاعت امام زین‌العابدین
۲۲	در سایه سار کلام گهربار امام سجاد علیه السلام
۲۲	اشاره
۲۲	حقوق متقابل خداوند و بندگانش
۲۲	حق نفس بر انسان
۲۲	حق صدقه بر انسان
۲۳	حق معلم بر شاگرد
۲۳	حق شاگرد
۲۳	حق کسی که بر تو احسان کرده است
۲۳	حق همنشین بر انسان
۲۳	حق شریک بر انسان
۲۴	حق مال بر انسان
۲۴	حق طلبکار بر انسان
۲۴	حق کسی که بر تو ادعایی دارد و شاکی است
۲۴	حق کسی که با تو مشورت می کند
۲۴	حق خردسالان
۲۵	حق کسی که به تو بدی کرده است
۲۵	حق هم کیشان
۲۵	آموزه‌هایی نورانی از برگ‌های زرین صحیفه‌ی سجادیه
۲۵	اشاره
۲۵	دعا در حق فرزندان
۲۶	دعا در حق پدر و مادر

۲۶	دعا در طلب آمرزش گناهان
۲۶	گلچینی از اهداف تربیتی صحیفه‌ی سجادیه
۲۶	اشاره
۲۶	اهداف تربیتی در رابطه انسان با خدا
۲۶	معرفت به خدا
۲۷	دست یابی به ایمان کامل
۲۷	تقوا
۲۷	پرورش روح عبادت و نماز
۲۷	شکرگزاری
۲۷	توبه
۲۸	اهداف تربیتی در رابطه انسان با خود
۲۸	پرورش حس خداجویی
۲۸	پرورش حس فضیلت جویی
۲۸	پرورش غرایز و خواست های طبیعی آدمی
۲۸	اهداف تربیتی در رابطه انسان با دیگران
۲۸	اهداف تربیتی در روابط خانوادگی
۲۸	اهداف تربیتی در روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی
۲۸	فراهم کردن زمینه ایجاد برادری
۲۹	میل به وظایف و مسئولیت ها در قبال یکدیگر
۲۹	امر به معروف و نهی از منکر
۲۹	انفاق و صدقه
۲۹	فرهنگ بهینه مصرف
۲۹	فرجام نیک
۲۹	پاورقی

دانستنی هایی درباره امام سجاد علیه السلام و صحیفه سجادیه

مشخصات مقاله

دانستنی هایی درباره امام سجاد و صحیفه سجادیه مؤلف: سید امیرحسین کامرانی راد برگرفته از: ماهنامه گلبرگ، ش ۱۴، ۶۰، ۹۵، ۱۰۵

اشاره

گفتار زیر درباره یکی از چکاد های سر به فلک کشیده جهان هستی، امام سجاد علیه السلام است. ایشان در برابر شدیدترین تندباد حادثه ها، استوار بر جای ایستادند و تازیانه ی خون بار ترین پیشامدها، چون عاشورا و گردباد تلخ ترین روزگاران، مانند دوران اسارت، آسیبی به شکوه شان نرساند. قرن هاست که چشم انداز زیبای بلندای ایشان، همچنان، چشم ها را می نوازد و به قلب ها استواری و به دل ها جرئت می بخشد. زین العابدین علیه السلام، قهرمان معنویت است، به گونه ای که وقتی انسان به او می نگرد، به حقیقت اسلام، نگاه می کند. نمازهایش، پرواز روح به سوی خدا بود و با همه ی وجود در پیشگاه پروردگارش آماده می شد. آن حضرت، پیک محبت بود؛ هر جا غریب و تهی دست و بینوایی را می دید که دیگران به او توجه ندارد، به او محبت می کرد و به خانه ی خودش می آورد. روزی گروهی از خُذامی ها را دید که همه آنها را از خود می رانند. آن حضرت آنها را به خانه فرا خواند و از ایشان پرستاری کرد. خانه ی امام زین العابدین علیه السلام، پناه گاه مسکینان، یتیمان و بیچارگان بود. «وقتی شورشیان، بنی امیه را از مدینه بیرون کردند، مروان که خود از دشمنان امام بود، از امام خواهش کرد که همسر و خانواده او در خانه و پناه آن حضرت باشند و امام نیز با بزرگواری پذیرفت. بدین گونه، در روزهایی که مدینه دست خوش قتل و غارت بود، خانه ی امام، پناه گاه پناهندگان بود و خانواده های فراوانی به آستان آن حضرت پناه آوردند و امام نیز تا پایان درگیری های خونین از آنان پذیرایی کرد». ز رنج آرد به راحت، مردمان را نشاند فتنه دور زمان را همه راحت بُود بر خلق، بی رنج وجودش خلق را شادی است چون گنج.

لقب های برارنده امام سجاد علیه السلام

سید العابدین، زین العابدین، سید المتقین، امام المؤمنین، سجاد و زین الصالحین، از لقب های امام چهارم شیعیان است که در این میان، دو لقب سجاد و زین العابدین، شهرت بیشتری دارد. این لقب ها مانند لقب هایی نیست که عرب هنگام زادن کودک یا در کودکی به او می دهد. این لقب ها را صرّافان گوهرشناس و انسان جو به آن حضرت داده اند. آنان در آن دوران تاریک، از دیو و دد آزرده شده بودند و با دیدن آن امام، کسی را می دیدند که آن دانشمند در روز روشن با چراغ در پی او می گردید و نمی یافت. بیشتر کسانی که این لقب ها را بدو داده اند، نه شیعه بودند و نه او را امام و برگزیده از سوی خدا می دانستند. با این حال، نمی توانستند آنچه را در او می بینند، نادیده بگیرند. هر یک از این لقب ها، نشان دهنده درجه ای از کمال، پایه ای از ایمان، مرتبه ای از تقوا و اخلاص و میزان اعتماد و اعتقاد مردم به دارنده ی این لقب هاست. او به حقیقت جلوه گاه آشکار این ویژگی ها بود و این سخنی است که همگی بر آنند.

نگاهی به دوران زندگی امام سجاد علیه السلام

اشاره

سال تولد امام سجاد علیه السلام را سال ۳۸ هجری قمری نوشته اند. ایشان دوران کودکی خود را در شهر مدینه گذراند. حدود دو سال از خلافت جدش امیرالمؤمنین علیه السلام را درک نمود و پس از آن، مدت ده سال شاهد حوادث دوران امامت عموی خویش امام مجتبی علیه السلام بود. پس از شهادت امام مجتبی علیه السلام در سال ۵۰ هجری، به مدت ده سال در خدمت پدر بزرگوار خویش امام حسین علیه السلام قرار داشت و پس از شهادت آن بزرگوار، عهده دار مقام رفیع امامت شد.

بیمار مصلحتی کربلا

بیماری موقت حضرت سجاد علیه السلام در کربلا، عنایت خداوندی بوده است تا بدین وسیله از وظیفه‌ی جهاد معذور گردد و وجود مقدسش از خطر کشتار مزدوران یزید محفوظ بماند و از این رهگذر، رشته‌ی امامت تداوم یابد. اگر حضرت بیمار نبود، می بایست در جهاد با یزیدیان شرکت می کرد و در این صورت، همچون دیگر فرزندان و یاران پدرش به شهادت می رسید و نور هدایت خاموش می شد. ابن سعد گزارش می دهد که پس از کشته شدن حسین علیه السلام شمر به سوی علی بن الحسین علیه السلام آمد و او بیمار و در بستر خوابیده بود. شمر گفت: این را بکشید. یکی از همراهان وی گفت: سبحان الله! آیا جوانی را که بیمار است و در جنگ هم شرکت نداشته، بکشیم؟ در این هنگام، عمر بن سعد رسید و گفت: با این زنان و این بیمار کاری نداشته باشید. بنابراین، بیماری آن حضرت، مصلحتی الهی بود که موجب حفظ حیات ایشان گردید و هرگز به معنای ضعف روحی و ناتوانی در برابر دشمن نیست.

امام در دوران اسارت

دوران اسارت امام سجاد علیه السلام را می توان از عصر عاشورا تا بازگشت به مدینه به شمار آورد. در این زمان، امام با وجود اسارت در دست حاکمان ستمگری چون ابن زیاد و یزید، برخوردی صریح و افشاگرانه داشت. به طور کلی، موضع گیری این دوره امام، با موضع گیری های آن بزرگوار در بقیه‌ی عمر شریفش تفاوت اساسی دارد. در این دوره کوتاه، روش حضرت افشاگرانه و هشداردهنده است؛ زیرا ایشان، افزون بر آن که مسئولیت الهی امامت را بر دوش می کشید و باید زمینه‌ی کار آینده را برای حکومت الهی و اسلامی فراهم می کرد، زبان گویایی برای خون‌های ریخته شده در عاشورا داشت. از این رو، مسائل را با صراحت بیان می کرد؛ چرا که زمینه کار آینده‌ی او، خون جوشان حسین علیه السلام بود.

امام در دوران قیام و سازندگی

هر قیامی که برای خونخواهی شهدای کربلا بود، امام سجاد علیه السلام آن را تأیید و مردم را به پیوستن به آن تشویق می کرد. در مواردی موضع گیری های مثبت امام، پنهانی بود و در ظاهر، آن‌ها را تأیید نمی کرد و حتی گاهی مخالفت می نمود. علت این امر این بودند که مردان خاندان رسالت در کربلا کشته شده بود و جز امام و چند تن دیگر که انگشت شمار بودند، کسی باقی نمانده بود و حفظ این طرفداران اندک، برای آینده لازم و ضروری می نمود. مهم ترین برنامه های امام در دوران سازندگی هم، بر چند محور استوار است: زنده نگه داشتن یاد و خاطره عاشورا و رساندن پیام آن، نشر مبانی اعتقادی و فرهنگی شیعه، مراقبت از جریان‌ها و امور داخلی جامعه اسلامی و نیز نیرو سازی.

زنده نگه داشتن یاد و خاطره عاشورا

از آنجا که شهادت امام حسین علیه السلام و یاران آن حضرت، در افکار عمومی و برای حکومت اموی بسیار گران تمام شده و

مشروعیت آن را زیر سؤال برده بود، برای آنکه این فاجعه فراموش نشود، امام سجاد علیه السلام مبارزه منفی را با گریه و عزاداری ادامه می داد. یادآوری مکرر فاجعه کربلا و گریه بر آن، علاوه بر ریشه های عاطفی اش، بار سیاسی داشت و نمی گذاشت ظلم و جنایت حکومت اموی از خاطره ها فراموش شود. امام علیه السلام در پاسخ سهل بن شعیب (یکی از بزرگان مصر) که از حالت حضرت پرسیده بود، فرمودند: «اینک اگر وضع ما را نمی دانی، برایت توضیح می دهم، وضع ما در میان قوم خود، مثل وضع بنی اسرائیل در میان فرعونیان است که پسرانشان را می کشتند و دخترانشان را زنده نگه می داشتند. امروز وضع بر ما به قدری تنگ و دشوار است که مردم، با سب و ناسزاگویی به بزرگ و سالار ما بر فراز منبرها، به دشمنان ما تقرب می جویند».

پند و ارشاد

چون امام چهارم علیه السلام در عصر اختناق زندگی می کرد، نمی توانست مفاهیم مورد نظر خود را به صورت آشکار و صریح بیان کند. از این رو، از شیوهی موعظه استفاده و مردم را از راه موعظه با اندیشهی درست اسلامی آشنا می کرد. بررسی این موعظه ها نشان می دهد که امام با روشی حکیمانه و بسیار زیرکانه، ضمن اینکه مردم را نصیحت و موعظه می کرد، آنچه را می خواست در ذهن مردم جا بگیرد، به آنان القا می نمود و این بهترین شکل انتقال افکار و اندیشه درست اسلامی در آن شرایط بود؛ زیرا این مباحث، در عین حال که اثر سیاسی داشت و بر ضد دستگاه حاکم بود، حساسیت حکومت را بر نمی انگیخت.

نشر احکام و آثار تربیتی و اخلاقی

یکی از ابعاد مبارزه پیشوای چهارم با مظالم و مفاسد عصر خویش، نشر احکام اسلام و تبیین مباحث تربیتی و اخلاقی بود. امام در این زمینه گام های بلند و بزرگی برداشت، به طوری که دانشمندان را به تحسین و اعجاب واداشته است. شیخ مفید در این زمینه می نویسد: «فقه های اهل تسنن به قدری علوم از او نقل کرده اند که به شمارش نمی گنجند و مواعظ و دعاها و فضایل قرآن و حلال و حرام، به حدی از آن حضرت نقل شده که در میان دانشمندان مشهور است و اگر بخواهیم آن ها را شرح دهیم، سخن به درازا می کشد». نمونه ای از تعالیم تربیتی و اخلاقی که از امام چهارم به یادگار مانده، مجموعه ای به نام رساله الحقوق است که امام طی آن، وظایف گوناگون انسان را چه در پیشگاه خدا، و چه نسبت به خویشان و دیگران بیان نموده است. برخی از حقوقی که امام بیان نموده عبارت است از: حق خدا، حق زبان، حق گوش، حق چشم و...

کانون تربیتی

هنگام ظهور اسلام، بردگی در سراسر جهان آن روز رواج داشت و چون لغو چنین پدیده گسترده ای به یک باره مقدور نبود، اسلام از راه های گوناگون زمینهی لغو تدریجی آن را فراهم ساخت. در زندگانی امام چهارم نیز موضوع آزادسازی بردگان به چشم می خورد، اما دامنه و سطح این عمل به حدی وسیع است که تنها با محاسبات بالا قابل توجه نیست و به نظر می رسد امام چهارم در این کار انگیزه های والا-تری داشته است. دقت در این زمینه نشان می دهد که امام از این اقدام، نظر تربیتی و انسانی داشته است؛ بدین معنا که بردگان را خریداری کرده، مدتی تحت آموزش و تربیت قرار می داد و سپس آزادشان می کرد و آنان به صورت انسان های نمونه، به فعالیت های فرهنگی و تربیتی می پرداختند و پس از آزادی نیز ارتباطشان با امام قطع نمی شد.

حکومت سیاه عبدالملک

دوران امامت امام سجاد علیه السلام با یکی از سیاه ترین دوره های حکومت در تاریخ اسلام هم زمان بود. سردمداران حکومت در این زمان، به صورت آشکار و بدون هیچ گونه پرده پوشی، به مقدسات اسلامی توهین می کردند. بیشترین دوران امامت امام چهارم، با خلافت عبدالملک بن مروان مصادف بود که مدت ۲۱ سال طول کشید. تاریخ نگاران از عبدالملک، به عنوان فردی زیرک، با احتیاط و دور اندیش، ادیب، باهوش و دانشمند، یاد کرده اند. عبدالملک در مدت حکومت خود، آن چنان با ظلم و ستم خو گرفت که نور ایمان در دل او به کلی خاموش گشت. وی روزی به این امر اعتراف کرد و به سعید بن مسیب چنین گفت: چنان شده ام که اگر کار نیکی انجام دهم، خوشحال نمی شوم و اگر کار بدی از من سرزند، ناراحت نمی گردم. سعید بن مسیب گفت: مرگ دل، در تو کامل شده است.

کارنامه ولید بن عبدالملک

پس از مرگ عبدالملک، پسرش ولید به خلافت رسید. او در دوران زمامداری خود، در تأسیس و توسعه و تعمیر مساجد و اماکن مقدس کوشش می کرد و استانداران و فرمانداران را به این کارها تشویق می نمود؛ ولی دارای نقاط ضعف بسیار و انحراف های آشکاری بود. بر اساس گفته های تاریخ نگاران، ولید مردی ستمگر و جبار بود. پدر و مادرش او را در کودکی با هوسرانی و بی قیدی پرورش دادند. از این رو، وی فاقد ادب و شایستگی انسانی بود. ولید عناصر فاسد و جنایتکار را به عنوان امیر بر سرنوشت مسلمانان حاکم کرده بود و این افراد، عرصه را بر مردم تنگ کرده بودند. گویا با توجه به این بیدادگری های سردمداران و مظلومیت و بی پناهی مسلمانان بود که امام سجاد علیه السلام طی بیانی، مردم آن زمان را به شش دسته تقسیم کرده، زمامداران را به شیر و مسلمانان را به گوسفندانی تشبیه می نماید که در بین شیر و گرگ و روباه و سگ و خوک گیر کرده، گوشت و پوست و استخوانشان توسط شیر دریده می شود.

اشعار فرزددق

امام زین العابدین علیه السلام در سالی به حج رفته بودند که در آن سال، هشام، خلیفه وقت نیز به حج آمده بود. به هنگام طواف، مردم کنار می رفتند و برای امام راه را باز می کردند و او را با دیده ای اکرام می نگرستند. از هشام پرسیدند: این شخص کیست؟ هشام در حالی که امام را می شناخت، گفت: نمی دانم. در این هنگام فرزدق شاعر که در آنجا حاضر بود، گفت ولی من او را می شناسم؛ سپس اشعاری بسیار زیبا در وصف حضرت سرود. هشام به خاطر این اشعار، فرزدق را دستگیر نموده و زندانی کرد و دستور داد نامش را از حقوق بگیران بیت المال حذف کنند. حضرت سجاد علیه السلام برای او هدیه ای فرستاد، ولی فرزدق برگرداند و گفت: من از روی وظیفه ی دینی این اشعار را سرودم، نه برای پول. امام دوباره هدیه را فرستاد و فرمودند: این کار تو مورد قبول خداوند قرار گرفت. امام همچنین به درخواست خود او دعا کرد تا از زندان نجات یابد و او آزاد شد و خدمت امام رسید و گفت: اسم مرا از دفتر بیت المال خارج کرده اند. امام نیز آن مقداری را که از بیت المال می گرفت، به مدت چهار سال به او بخشید و فرمودند: اگر می دانستم بیشتر از این نیاز داری، بیشتر از این می دادم. فرزدق بعد از گذشت چهار سال، از دنیا رفت.

شرایط و رسالت ها در عصر امام زین العابدین

امام سجاد علیه السلام در دشوارترین شرایط به سر می برد تا آنجا که خود آن حضرت می فرماید: «اگر کسی متهم به کفر می شد، بهتر از آن بود که به شیعه گری متهم شود.» همچنین فرمودند: «در مکه و مدینه، بیست نفر نیستند که ما را دوست بدارند.» در زمان

آن حضرت، بنی امیه چنان بر مردم چیره بود که افزون بر روا داشتن ستم های فراوان در حق مردم، به تحریف دین مردمان نیز دست می یازید. در همین زمینه، انس بن مالک، صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله با گریه می گفت: چیزی از آنچه در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله وجود داشت، پیدا نمی شود. از همه آنچه از پیامبر خدا فرا گرفتیم، تنها نماز مانده است که در آن نیز بدعت هایی پدید آمده است. مسعودی، تاریخ نگار نامدار گفته است: «علی بن الحسین علیه السلام امامت را به شکل پنهانی و با تقیّه بسیار و در زمانی دشوار عهده دار گردید.» در چنین زمان دشواری، امام سجاد علیه السلام با دوراندیشی و تدبیری شایسته، شیوه ای در پیش گرفت که توانست از خاموش شدن فروغ وحی جلوگیری کند و دین ناب و آسمانی اسلام را از لابه لای آن همه حادثه ها به سلامت به دست آیندگان بسپارد و نام اهل بیت علیهم السلام را زنده نگه دارد. پرهیز از قیام به دلیل آماده نبودن شرایط آن، رو آوردن به کار بزرگ فرهنگی در قالب دعا، روشن گری در هر فرصت مناسب و گریه های فراوان در عزای پدر بزرگوارش، امام حسین علیه السلام، بخشی از رسالت های پیروزی آفرین آن حضرت در راه رسیدن به هدف هایش بود.

امام سجاد، قهرمان مبارزه با تهاجم فرهنگی

آیین اسلام در هیچ دوره ای از خطر تهاجم فرهنگی ایمن نبوده و نیست. گاهی نیز اوج این ستیز فرهنگی در زمان برخی از پیشوایان معصوم علیهم السلام رخ می داد تا آنجا که قیام خونینی چون عاشورا، در رویارویی با همین خطر ها شکل گرفت. امام سجاد علیه السلام نیز در دورانی زندگی می کرد که هنجار های اخلاقی و فرهنگ ناب اسلامی به دست فراموشی سپرده و ناهنجاری ها و تبه کاری ها فراگیر شده بود. آن حضرت در چنین شرایط ناگواری، هرگز میدان را در برابر دشمن رها نکرد. ایشان با نفی قیام می کوشید ذهن دشمنان را از توجه و سرگرم شدن به خود باز دارد. در مقابل، به صورتی آرام و پنهانی، از راه سازندگی انسان های شایسته و آموزش اندیشه های راستین به آنان و با روشن گری های پیاپی، در برابر تهاجم فرهنگی ایستاد و توانست پیروز میدان مبارزه ی فرهنگی باشد. در این باره، تنها به یکی از سندهای پیروزی آن امام در رویارویی با هجوم فرهنگ های خداسیز و غیر اسلامی، یعنی صحیفه ی سجادیه اشاره می کنیم که قرن هاست آبخوری زلال و آسمانی برای جان های تشنه هدایت و تکامل به شمار می آید.

علت قیام نکردن امام سجاد

یکی از رمز های پیروزی مردان بزرگ، زمان شناسی و شناخت شرایط روزگار است. آنان با شناخت درست از آنچه پیرامونشان می گذرد، چگونگی رفتار خود را برمی گزینند. بر این اساس، نه همواره به قیام برمی خیزند و نه همیشه در صلح به سر می برند، بلکه این، اقتضای زمان و مصلحت روزگار است که جنگ یا صلح را برایشان تعیین می کند. امام سجاد علیه السلام نیز از این قاعده بیرون نبود. آن حضرت با مصلحت اندیشی شایسته و در خور ستایش، پایداری دین و مانایی اسلام را در دگرگونی شکل مبارزه می داند. «در حقیقت، با وحشت و دیکتاتوری سختی که در جامعه حکم فرما شده بود و در اثر کنترل و چیرگی شدیدی که حکومت ستم گراموی به وجود آورده بود، هرگونه جنبش و قیام مسلحانه پیشاپیش، محکوم به شکست بود و کوچک ترین حرکت از نگاه جاسوسان حکومت پنهان نمی ماند». به همین سبب، امام راه درست و عاقلانه را در آن می دید که به گونه ای دیگر به مبارزه برخیزد و در ساختار دعا، با ستم گران بستیزد و پیام خود را به نسل های آینده برساند. گویا امام سجاد علیه السلام با اشاره به چنین شرایط دردناکی، در ساختار دعا به خداوند چنین عرض می کند: «پروردگارا! چه بسا دشمنی که شمشیر دشمنی اش بر ضد من آخته، دم تیغش را برای ضربه زدن به من تیز کرده و سر نیزه اش را به قصد جان من تیز ساخته و مرا آماج تیرهای خویش قرار داده است. زهرهای جان کاهش را برای کام من در جام، فرو ریخته و چشمش برای کنترل من نهفته است و بر آن است که به من گزند

برساند».

سیاست امام سجاد در ترویج اسلام ناب

اشاره

امام سجاد علیه السلام به دلیل آماده نبودن شرایط برای قیام، با مبارزه‌ای غیرمستقیم و سیاست‌هایی حکیمانه در ترویج و پایداری اسلام ناب کوشید که برخی از آنها عبارتند از:

زنده نگه داشتن یاد و خاطره عاشورا

شهادت امام حسین علیه السلام و یاران آن حضرت، در افکار عمومی برای حکومت اموی، بسیار گران تمام شده و مشروعیت آن را زیر سؤال برده بود. برای آنکه این حادثه دلخراش فراموش نشود و ثمره‌های بزرگ آن به بار بنشیند، امام با گریه بر شهیدان عاشورا و زنده نگه داشتن یاد آنان، مبارزه منفی و حرکت فرهنگی را به صورت گریه ادامه می داد. گرچه این اشک‌های سوزان ریشه‌ی عاطفی هم داشت، ولی آثار و برکات سیاسی و اجتماعی آن بی نظیر بود تا آنجا که یکی از ریشه‌های جاودانگی نام و یاد عاشورا را می توان در همین عزاداری‌ها و گریه‌های امام زین العابدین علیه السلام دانست.

پند و ارشاد

گرچه امام سجاد علیه السلام به سبب وجود تنگناهای باز دارنده‌ی زمان خویش، نتوانست اندیشه‌های خود را آشکارا باز گوید، ولی آنها را در ساختار موعظه و نصیحت بیان می کرد. بررسی این موعظه‌ها نشان می دهد که امام با روش حکیمانه‌ای، در عین حال که مردم را موعظه می کرد، آنچه را می خواست به ایشان می آموخت و این بهترین شکل آموزش اندیشه‌های درست اسلامی در آن شرایط بود.

برخورد و مبارزه با عالمان درباری

علمای درباری کسانی بودند که اندیشه و ذهن مردم را به سود قدرت‌های فاسد جهت می دادند و زمینه‌ی فکری و ذهنی مردم را برای پذیرش حکومت آنان فراهم می کردند. از این رو، امام سجاد علیه السلام با برخورد با ریشه‌های گمراهی و تباهی، به شکلی اساسی به ترویج فرهنگ ناب اسلامی همت می گماشت و مردم را درباره ریشه‌های ستم‌پروری هشدار می داد.

امام سجاد و روشن‌گری در هر فرصت ممکن

گرچه زمینه برای قیام امام سجاد علیه السلام آماده نبود، این مسئله آن حضرت را از روشن‌گری‌های بجا و بازگو کردن حقیقت باز نداشت. برای نمونه، آن امام در دوران اسارت خویش، در مجلس یزید، در فرصت کوتاهی که برایش پیش آمد، برفراز منبر این گونه روشن‌گری می کرد: «ای مردم! کسی که مرا نمی شناسد، خود را بدو می شناسانم. من پسر مکه و منایم! من پسر مروه و صفایم! من پسر محمد مصطفایم! آن که پایگاه او بر همه آشکار و جولانگه او آسمان است. من پسر علی مرتضی و فاطمه‌ی زهرایم... من پسر آنم که تشنه جان داد و تن او بر خاک کربلا افتاد. مردم! خدای تعالی ما اهل بیت را نیک آزمود، رستگاری، عدالت و پرهیزکاری را در ما نهاد و ما را به شش ویژگی، برتری و بر دیگر مردمان، سروری داد. بردباری و دانش، دلاوری و بخشش را به

ما ارزانی فرمود و دل مؤمنان را جایگاه دوستی و شکوه ما ساخت و خانه ما را مکان آمد و شد فرشتگان قرار داد.

نقش امام سجاد در تربیت موالی

یکی از کارهای فرهنگی امام زین العابدین علیه السلام، خریدن پیوسته بردگان و خدمت کاران و سپس آزاد کردن آنان بود. در حقیقت، انگیزه اصلی امام از این کار، انسان سازی بود. به این بیان که آن حضرت بزرگان را می خرید و آن گاه به آموزش و پرورش آنها می پرداخت و پس از مدتی آزادشان می کرد، به گونه ای که هر کدام از آنها به سبب تربیت درستان از سوی امام، به عنوان سخنگو و مبلغ وارد جامعه می شدند و به گسترش آیین ناب اسلام می پرداختند. امام، بزرگان را با آنکه به آنان نیاز نداشت، می خرید و آنان را در مراسم حج به عرفات می آورد و آن گاه به سوی مشعر می برد. سپس آزادشان می کرد و هدیه هایی به آنان می داد. بدین گونه، آن حضرت، کانون تربیتی متمرکزی به وجود آورده بود. هر کدام از آزاد شده ها نیز فرد تربیت شده و الگو برای دیگران بودند. البته آنان پس از آزادی نیز پیوند معنوی خود را با امام نمی بریدند و همچنان از خرمن آن حضرت خوشه چینی می کردند. این روش امام سجاد علیه السلام با توجه به تنگناهایی که آن حضرت در ارشاد و هدایت مستقیم جامعه داشت، بسیار درخور ژرف نگری و بررسی است. آب زیند راه را هین که نگار می رسد امام سجاد علیه السلام از شکوه ویژه ای برخوردار بود، به گونه ای که هر جا گام می نهاد، مردم برای وی راه می گشودند و نگاه های خود را به سوی او می دوختند. «سالی هشام پسر عبدالملک به حج رفت و گروهی از بزرگان شام همراه او بودند. روزی به سبب انبوهی مردم نتوانست دست خود را به حجرالاسود برساند. در این هنگام، امام علی بن الحسین علیه السلام به طواف آمد و چون نزدیک رکن آمد، مردم کنار رفتند تا ایشان به آسانی، دست خود را به رکن بزنند. این پاس داشت در دیده شامیان، بزرگ و شگفت آمد. از هشام پرسیدند: این مرد کیست که مردم چنین او را گرامی می دارند؟ هشام گفت: نمی دانم! فَرَزْدَق، شاعر معروف که در آنجا حاضر بود، گفت: من او را می شناسم و در همان زمان، بیت هایی را در شناساندن وی و ستایش او سرود که در برخی از آنها چنین آمده است: «این کسی است که [سرزمین] بطحا جای پایش را می شناسد و همچنین حرم و بیرون حرم. این پسر مهم ترین بندگان خداست. او پرهیزکار، برگزیده، پاک و نشانه و راهنماست. اینکه گویی «این کیست؟» بدو زبانی نمی رساند. آن را که تو نشناخته گرفته ای، عرب و عجم می شناسد».

امام سجاد و مردم گرایی

یکی از ویژگی های بزرگ امام سجاد علیه السلام، مردم گرایی و مهرورزی به انسان ها بود، به گونه ای که فراوانی گرفتاری های آن حضرت، هرگز وی را رسیدگی به گرفتاری های مردم و گره گشایی از کار فرو بسته آنان باز نداشت. «آن حضرت، شب هنگام، انبان های نان را بر پشت خود می نهاد و به خانه ی تهی دستان می رفت و می فرمودند: صدقه پنهانی، آتش خشم پروردگار را خاموش می کند. برداشتن این انبان ها، بر پشت او اثر گذاشته بود و چون به دیدار پروردگار شتافت، هنگام غسل دادن ایشان، آن نشانه های مهرورزی آشکار شد». امام، سالی آهنگ حج کرد. خواهرش توشه ای به ارزش هزار درهم برای وی آماده ساخت، ولی آن حضرت همه را به مستمندان بخشید. آن حضرت، پسر عمویی مستمند داشت که شب هنگام به گونه ای که شناخته نشود، نزدش می رفت و چند دینار به او می بخشید. آن مرد می گفت: علی بن الحسین در اندیشه خویشاوند نیست، خدا او را سزا دهد. امام این سخنان را می شنید، بردباری می کرد و خود را بدان خویشاوند نمی شناساند. چون به دیدار خدا شتافت و آن احسان از آن مرد بریده شد، دانست که آن مرد نیکوکار، علی بن الحسین بوده است. پس بر سر مزار او رفت و گریه کرد. خرم آن کس که در این محنت گاه خاطری را سبب تسکین است

پاسخ گویی بدی به نیکی

قرآن کریم در رفتار اجتماعی، اصل را بر مدارا در برابر تندی و نیکی در برابر بدی نهاده و فرموده است: «و آنان که بدی را با نیکی می زدایند.» (رعد: ۲۲) به گفته‌ی زیبای فیض کاشانی: مکافات بد را نکویی بیاریم اگر بد کنیم، آن چنان کوست باشیم بکوشیم تا دوستی خوی گردد به هر کو کند دشمنی، دوست باشیم در این باره آمده است که روزی علی بن الحسین علیه السلام بر مردمی گذشت که از او بد می گفتند. پس فرمودند: «اگر راست می گوئید، خدا از من بگذرد و اگر دروغ می گوئید، خدا از شما بگذرد». روزی مردی او را در بیرون خانه دید و بدو دشنام داد. خدمتکاران آن حضرت بر آن مرد تاختند. علی بن الحسین علیه السلام فرمودند: «او را رها کنید». سپس بدو گفت: «آنچه از ما بر تو پوشیده است، بیشتر از آن است که می دانی. آیا نیازی داری تا آن را روا کنم؟» آن گاه مقداری پول به آن مرد بخشید، به گونه‌ای که آن مرد بسیار شرمنده شد و گفت: گواهی می دهم که تو فرزند پیامبری. یکی از دانشمندان زمان آن حضرت به نام زُهری می گوید: «برتر از علی بن الحسین علیه السلام ندیدم. از دانستن فضیلت فراوان وی، دوستش بر او غبطه می خورد و کسی که دشمن او بود، به سبب روش مسالمت آمیز وی، دشمنی خود را آشکار نمی کرد». فیض روشن دل، به نیک و بد برابر می رسد پرتو مه می فتد یکسان به آباد و خراب

دلیل دعا محوری امام سجاد

بسیاری از انسان‌ها، اوج تلخ کامی شخص را در به خاک و خون تپیدن او می دانند و بالاترین اندازه‌ی سختی برای آدمی را در آن می بینند که با شمشیر و نیزه تکه تکه شود و از پای درآید. این در حالی است که گونه‌ی دیگری از سختی و دشواری نیز هست که تلخی آن چه بسا بالاتر از زخم برداشتن و کشته شدن است و آن اینکه شخص در برابر جور ستم گران و فتنه جویان، بنا بر مصلحت نتواند برخیزد و ناچار باشد زهر بردباری و خویشتن داری را جرعه جرعه بنوشد و انبوهی از سخن را در سینه خود پنهان سازد و نتواند باز گو کند. خلاصه آنکه به گفته‌ی زیبای حافظ، «آن همه زخم نهان باشد و مجال آه نباشد»: این چه استغناست یا رب وین چه قادر حکمت است کاین همه زخم نهان هست و مجال آه نیست امام سجاد علیه السلام با چنین تلخ کامی هایی دست به گریبان بود و در چنین روزگار تاریکی، چه چیزی بهتر از دعا و نیایش می توانست به او آرامش بخشد و بهانه شود تا دردهای نهانی را در قالب راز و نیاز، باز گو و سخن های مگو را آشکار کند.

دلیل گریه های امام سجاد از نگاه شهید مطهری

یکی از ویژگی مردان خدا، گریه از ترس پروردگار است، ولی گریه های امام سجاد علیه السلام افزون بر آنکه به دلیل ترس از خداوند نیز بود، پیام دیگری نیز داشت. شهید مطهری در این باره می نویسد: «برای علی بن الحسین علیه السلام فرصتی همانند فرصت امام حسین علیه السلام پیدا نشد، همچنان که فرصتی مانند فرصتی که برای امام صادق علیه السلام پدید آمد، پیدا نشد. البته برای کسی که می خواهد خدمت گزار اسلام باشد، همه‌ی وقت ها فرصت است، ولی شکل فرصت ها تفاوت دارد. برای نمونه، آن حضرت، از هر بهانه‌ای استفاده می کرد که اثر قیام پدر بزرگوارش را زنده نگه دارد. آن گریه های او برای چه بود؟ می خواست تا با این کار، این حادثه را زنده نگه دارد و مردم یادشان نرود که چرا امام حسین علیه السلام قیام کرد و چه کسانی او را کشتند. روزی یکی از خدمتگزارانش عرض کرد: آقا! آیا زمان آن نرسیده است که شما از گریه باز ایستید؟ فرمودند: چه می گویی؟ یعقوب، یک یوسف بیشتر نداشت و در غم دوری او تا آنجا گریست که چشمانش سفید شد. من در جلو چشم خود، هجده یوسف را دیدم که یکی پس از دیگری بر زمین افتادند».

امام سجاد و نجات شیعیان

پس از حادثه کربلا، شیعیان در بدترین شرایط قرار گرفتند. کوفه که مرکز گرایش های شیعی بود، به مرکزی برای سرکوبی شیعه تبدیل شد. در چنین شرایطی که گمان نابودی اساس تشیع می رفت، امام سجاد علیه السلام توانست شیعه را حیاتی نو بخشد و زمینه را برای فعالیت های آینده ای امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام فراهم کند. تاریخ گواه است که امام سجاد علیه السلام در مدت ۳۴ سال تلاش خود، شیعه را در یکی از سخت ترین دوران حیات؛ یعنی حکومت زبیریان و امویان رهبری کرد. فراموش نشود که بیست سال حاکمیت حجاج بر عراق و سلطه عبدالملک بن مروان بر همه ی سرزمین های اسلامی، تنها برای کوبیدن شیعیان و در بخش های دیگر، کوبیدن دیگر مخالفان امویان بود.

زینت پارسایان

در تاریخ مشرق زمین که مهد نبوت هاست، کسی در ورع و تقوا و توجه عمیق به پروردگار، در مقام امام زین العابدین علیه السلام نیست، مگر پدران بزرگوارش که زندگی معنوی بشری را با نور توحید و ایمان راستین روشنی بخشیدند. به راستی که سرنوشت این امام بزرگوار، تاریخ زندگانی انبیا و مرسلین را به خاطر می آورد و از هر جهت همانند آنهاست؛ زیرا او در زهد و تقوا و توجهش به خدا همچون حضرت مسیح، در گرفتاری و صبر و تحملش نظیر حضرت ایوب، و در عزم راستین و اخلاق والا-یش همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله است. صفات نیک و برجستگی های معنوی و روحی او بی شمار است و در عظمت او همین بس که در تاریخ دنیا، تنها او به لقب «زین العابدین» مفتخر گشته و جز او کسی زیننده این نام نبوده است.

سفیر نهضت حسینی

امام زین العابدین علیه السلام از جمله نیرومندترین عوامل جاودانگی نهضت حسینی و ارتباط آن با عواطف و احساسات جامعه است. از شمار مظاهری که امام سجاد علیه السلام بدان وسیله، نهضت حسینی را جاودانه ساخت، گریه های فراوان آن حضرت بر مصیبت هایی بود که در روز عاشورا بر پدر و خاندان و یاران آن بزرگوار رسید. در نتیجه، امام شادمانی را بر خود حرام کرد و از اندوه و تأثر گداخته شد و یکی از پنج گریه کنندگانی گردید که در طول تاریخ، ضرب المثل غم و اندوه و سوگواری بوده اند.

عبادت امام زین العابدین

امام سجاد علیه السلام بعد از پدران، بهترین مخلوقات خداوند از نظر علم و عمل بود. کوشش و عبادت و زهد و روش برخورد او با مردم، همه معجزه و شگفت می نمود. از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند: «پدرم در شبانه روز، هزار رکعت نماز می خواند و جسم مبارکش به حدی ضعیف شده بود که باد، مانند خوشه ی گندم او را حرکت می داد». ایشان ادامه می دهد: پیشوای چهارم در عبادت به منزله ای رسید که هیچ کس به آن نرسیده است. از شب زنده داری، رنگ رخسارش زرد شده بود و از گریستن، چشمانش چنان گرم می شد که گویا آتش گرفته باشد. پیشانی اش هم از سجده پینه بسته بود. ساق و پاهای حضرت از ایستادن در نماز شب ورم کرده بود. وقتی او را در این حالت دیدم، گریستم. پدرم رو به من کرد و فرمودند: فرزندم، قسمتی از کاغذ هایی که عبادت علی علیه السلام در آنها نوشته شده را بیاور. آنها را آوردم و به او دادم. مقداری از آن را خواند و کناری نهاد و فرمودند: چه کسی قدرت دارد و می تواند مانند علی علیه السلام خدا را عبادت کند.

فرجام گستاخی به کلام پیامبر

روزی امام سجاد علیه السلام فرمودند: «مرگ ناگهانی در حق مؤمن، تخفیف گناه است و در حق کافر غم و تأسف است؛ مؤمن غسل دهنده و حمل کننده اش را می شناسد، اگر خیری نزد خدا داشته باشد، به حمل کنندگانش می گوید عجله کنید، ولی اگر غیر از این باشد، می گوید تأخیر کنید». ضمیره بن سحره گفت: اگر این گونه باشد که تو می گویی، پس من از تابوت می پریم. خودش خندید و مردم را نیز خندانند. حضرت فرمودند: «خدایا، او بر سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله خندید و مردم را نیز خندانید، پس او را با تأسف بگیر». آن شخص به مرگ ناگهانی مبتلا شد. بعد از آن، غلام ضمیره نزد امام سجاد علیه السلام آمد و گفت: خدا تو را توفیق دهد، ضمیره با مرگ ناگهانی مرد. به خدا سوگند صدای او را شنیدم که مانند زمان حیاتش آن را می شناختم، او گفت: وای بر ضمیره! تمام خویشانم از من جدا شدند و من به دار جهنم رفتم و آنجا اقامتگاه من است. امام سجاد علیه السلام فرمودند: «این جزای کسی است که به سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله بخندد و مردم را بخندانند».

سیر و سلوک امام سجاد

روزی حضرت سجاد علیه السلام از در منزل خارج شد و مردی را دید که بر اثر تلقینات و شرایط اجتماعی آن روز، زبان به بدگویی و دشنام به امام گشود. خادمان حضرت خواستند به او حمله کنند. امام فرمودند: او را رها کنید و بعد به آن مرد فرمودند: آنچه از ما بر تو پوشیده مانده است، بیش از آن است که می دانی. آیا حاجتی داری؟ مرد از گفتار و رفتار امام، خجل و شرمیده شد. امام نیز عیبایی را که بر دوش مبارکشان بود به او عنایت کردند و نیز امر فرمودند که هزار درهم نیز به او بدهند که با این رفتار ملایم، آن مرد معاند، دوستدار امام شد و گفت: من شهادت می دهم که تو فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله هستی. همچنین نقل شده که کسی نسبت به امام بدگویی کرد. امام خاموش ماندند و به وی نگاه نکردند. غریبه برای اینکه توجه دیگران را جلب کند، گفت: با تو سخن می گویم. امام هم فرمودند: من هم سخن تو را نشنیده می گیرم.

سیره ی سید العابدین

روزی یکی از خویشاوندان امام سجاد علیه السلام نزد امام رفت و چندان که توانست او را دشنام داد. امام در پاسخ او خاموش ماند. چون مرد بازگشت، امام به کسانی که نزد او نشسته بودند فرمودند: شنیدید این مرد چه گفت؟ می خواهم با من بیایید و پاسخی را که به او می دهم بشنوید. امام به راه افتاد و آیه ی فرو بردن خشم و گذشت از مردم را تلاوت فرمود. همراهان امام دانستند که امام سخن زشتی به او نخواهد گفت. چون به خانه آن مرد رسیدند، مرد بیرون آمد و یقین داشت امام به تلافی آمده است. حضرت به او فرمودند: «برادرم، ایستادی و چنین و چنان گفتی. اگر راست گفتی، خدا مرا بیامزد و اگر دروغ گفتی، خدا تو را بیامزد». مرد برخاست و حضرت را بوسید و گفت: آنچه درباره تو گفتم از آن مبرا هستی و من بدان سزاوارم.

گذشت امام چهارم

درباره بخشش و گذشت امام سجاد علیه السلام نقل شده است که وقتی حضرت دست مبارکشان را می شستند، کنیزی آب روی دست ایشان می ریخت. ناگهان ظرف آب از دست کنیز افتاد و جراحی در دست حضرت ایجاد شد. امام متأثر شدند. کنیز چون در خانه امام تربیت شده بود، می دانست چه کند و فوراً آیه ی شریفه ی فرو بردن خشم را خواند. امام فرمودند: من خشم خود را فرو خوردم. کنیز ادامه ی آیه را که درباره گذشت از مردم بود، تلاوت کرد. امام فرمودند: تو را بخشیدم. کنیز پایان آیه را خواند: «خدا نیکوکاران را دوست دارد». حضرت فرمودند: تو را در راه خدا آزاد کردم.

دستگیری از درماندگان

یکی از ابعاد درخشان زندگانی امام چهارم، خدمات اجتماعی حضرت در آن عصر تاریک است. این خدمات، چه در ایام بحرانی و پر آشوب مدینه، و چه در مواقع آرامش که نیازمندان و تهی‌دستان در انتظار دست نوازشگری بودند که با لطف و کرم به سوی آنان دراز شود، همچنان تا آخر عمر آن حضرت ادامه داشت. امام سجاد علیه‌السلام، هزینه‌ی زندگی صد خانواده تهی‌دست مدینه را عهده دار بود. همچنین نقل شده است که در مدینه خانواده‌هایی بودند که زندگی و معاش آنها از ناحیه امام تأمین می‌شد، ولی خودشان نمی‌دانستند که تأمین زندگی آنها از کجاست تا اینکه امام از دنیا رفتند و آنها متوجه شدند که شخصی که شبانه برای آنان کیسه‌هایی از مواد غذایی می‌آورد، علی بن الحسین علیه‌السلام بوده است.

سکوت از نظر امام زین العابدین

از امام سجاد علیه‌السلام درباره سکوت و سخن سؤال شد و اینکه کدام یک بر دیگری برتری و مزیت دارد؟ حضرت در پاسخ فرمودند: برای هر یک از این دو آفت‌هایی است که اگر از آفت سالم و مصون باشند، کلام برتر و افضل از سکوت است. برای اینکه خداوند هیچ یک از پیامبران و اولیاء را به سکوت مبعوث نفرمود؛ بلکه مأموریت داشتند با مردم سخن بگویند و با بیان خود، آنان را به راه صلاح و رستگاری دعوت نمایند. همچنین هیچ کس با سکوت مستحق بهشت نمی‌شود و هیچ کس با سکوت از عذاب دوزخ مصون نمی‌ماند. نیل به رحمت و ولایت الهی و محفوظ ماندن از عذاب او، بر اثر کلام است. سپس حضرت فرمودند: «شما خود فضل سکوت را با کلام توصیف می‌نمایید و هرگز فضل کلام را با سکوت توصیف نمی‌کنید».

سفارش به ابوحمزه ثمالی

ابوحمزه ثمالی می‌گوید: یک روز کنار در خانه حضرت سجاد علیه‌السلام ایستاده بودم که امام علیه‌السلام از خانه خارج شد و فرمود: «بسم الله آمَنْتُ بالله و توکلْتُ علی الله» سپس فرمودند: ای ابوحمزه، هر وقت انسان از خانه بیرون می‌آید، شیطان آماده فریب او می‌شود. وقتی می‌گوید: «بسم الله» آن دو فرشته که به او موکل هستند، می‌گویند گفت: بسم الله، یعنی از شر شیطان محفوظ ماند. وقتی می‌گوید: «آمَنْتُ بالله» گویند هدایت گردید و همین که می‌گوید «توکلْتُ علی الله» گویند از آفات و بلیات نکه داشته شد.

امام زین العابدین در هنگام اقامه نماز

امام زین العابدین علیه‌السلام به هنگام نماز از خشیت الهی اندامش می‌لرزید و چهره‌اش دگرگون می‌شد. یکی از یاران حضرت علت این تغییر حالت ایشان را در هنگام نماز پرسید. حضرت در پاسخ فرمودند: مگر نمی‌دانی در برابر چه کسی قرار می‌گیریم؟ به راستی همان مقدار از نماز بنده پذیرفته است که حضور قلب داشته باشد و فرد خودش را واقعاً در برابر خدا ببیند. آن شخص عرض کرد پس نمازهای ما باطل است و ما هلاک شده‌ایم. حضرت فرمودند: هرگز، خدا نمازهای نافله را برای جبران نمازهای ناقص بندگانش مقرر فرموده است.

فخر امام زین العابدین

در تاریخ آمده است چون اسیران کربلا به کوفه وارد شدند و کوفیان سخنان حضرت زینب(س) و جمعی از خاندان امام حسین

علیه السلام را شنیدند، گریه و ناله سر دادند و زنان موهای خود را پریشان کردند. امام زین العابدین علیه السلام آن ها را ساکت کردند و در معرفی خود فرمودند: من پسر آنم که حرمتش را درهم شکستند و مال و اموال او را غارت کردند و کسانش را اسیر کردند. من پسر آنم که او را کنار فرات سر بریدند، در حالی که نه به کسی ستم کرده و نه با کسی مکاری به کار برده بود. من پسر آنم که او را از قفا سر بریدند و این برای من فخری بزرگ است.

آزمایش الهی از دیدگاه امام زین العابدین

پس از پایان دوره ی اسارت و بازگشت امام زین العابدین علیه السلام و کاروان خاندان پیامبر به مدینه، آن حضرت در آستانه ورود به شهر مدینه، طی خطبه ی بلندی خطاب به جمعیت استقبال کنندگان فرمودند: ای مردم، خداوند، تبارک و تعالی که سپاس او را سزد ما را به مصایب بزرگ بیازمود. اباعبدالله الحسین علیه السلام را کشتند، زنان و فرزندان او را اسیر کردند و سر او را در شهرها بر روی نیزه ها گرداندند و این مصیبتی بی مانند است.

علم امام زین العابدین

شیخ مفید در توصیف دامنه دانش امام زین العابدین علیه السلام می نویسد: آنچه فقها و دانشمندان در علوم مختلف از آن حضرت نقل کرده اند از شمار بیرون است و آنچه از مواعظ و پند و دعا و احکام الهی که در بین دانشمندان وجود دارد اغلب از کسانی است که در مکتب امام زین العابدین علیه السلام پرورش یافته و از سرچشمه ی علوم آن حضرت سیراب شده اند.

بردباری و حلم امام

امام زین العابدین علیه السلام تجسم بردباری و گذشت بود به گونه ای که از برابر هر اشتباهی به اغماض می گذشت و حتی در برابر بدی و سوء رفتار نیز به احسان و نیکی رفتار می کرد و می فرمود: چیزی بهتر از این نیست که انسان بی آن که در مقام انتقام و تلافی برآید، با حلم و بردباری خشم خود را فرو نشاند.

نمونه ای از حلم و گذشت امام زین العابدین

روزی مردی در حضور جمع به امام زین العابدین علیه السلام جسارت کرد و ناسزا گفت: امام علیه السلام به روی خود نیاورد و سخنی نگفت. وقتی آن مرد رفت حضرت رو به حاضران کرد و فرمود بیاید تا شما پاسخ مرا به او ببینید. امام به طرف خانه آن مرد حرکت کرد. آن فرد وقتی امام زین العابدین علیه السلام را دید گمان کرد که برای تنبیه و سرزنش او آمده است، ولی به زودی دریافت که اشتباه کرده و تصورش نادرست بوده است؛ زیرا امام علیه السلام پیش آمد و سلام کرد و فرمود برادر، اگر نسبت هایی که به من دادی درست است من به درگاه خدا استغفار می کنم و اگر درست نیست از خدا می خواهم که گناه تو را ببخشد. آن مرد سخت پشیمان شد و با چشمانی اشکبار پیشانی آن حضرت را بوسید و گفت یابن رسول الله، آنچه به شما گفتم درست نیست و خود به آنها سزاوارترم.

شجاعت امام زین العابدین

امام زین العابدین علیه السلام که در کلیه صفات پسندیده و فضایل اخلاقی زبانزد عام و خاص بود، در شجاعت و شهامت نیز به حد کمال بود. سخنان آن حضرت در برابر یزید دلیل روشنی بر این مدعا است. آنگاه که یزید بر مسند قدرت تکیه زده بود،

حضرت او را مورد خطاب قرار داد و گفت: ای پسر معاویه و هند، تو خود می دانی که پرچم رسول الله در جنگ بدر و احد و احزاب در دست جدم علی بن ابی طالب علیه السلام بود، در حالی که پدر و جد تو پرچم دار مشرکان بودند. در جای دیگر خطاب به یزید می فرماید: وای بر تو، اگر به این فاجعه ای که آفریدی کمی می اندیشیدی، باید سر به کوه و بیابان می گذاشتی و خاکستر نشین می شدی. بدان که به زودی از این اعمال پشیمان، و به خواری بزرگ گرفتار خواهی شد.

در سایه سار کلام گهربار امام سجاد علیه السلام

اشاره

- اگر مردم بدانند که در طلب علم چه فوایدی است، آن را می طلبند، اگرچه با ریختن خون دل و فرو رفتن در گردابها باشد. - هر کس خود را گرامی داند، دنیا نزد او خوار است. - کسی که بدان چه خدا نصیب او کرده قناعت کند، از بی نیاز ترین مردم است. - از خوی مؤمن آن است که در تنگ دستی به اندازه ی درآمد خرج کند، و در رفاه به قدر گشایش؛ و درباره ی مردم منصف باشد و در سلام به همگان پیشی گیرد. - نگاه محبت آمیز مؤمن به صورت برادر ایمانی خود، عبادت است. - برای هر چیزی لذتی است و لذت گوش، در شنیدن سخن زیباست. - شرافت در فروتنی، عزت در پرهیزکاری و بی نیازی در قناعت است. - کسی که اجر خود بداند، دنیا نزد او ناچیز است. - محبوب ترین شما نزد خدا کسی است که رفتارش بهتر باشد. - کسی که خوش خلق تر است، به خدا نزدیک تر است. - مؤمن رفتار خود را با بردباری در می آمیزد. - مؤمن هیچ کاری را برای ریا انجام نمی دهد و هیچ کار را از روی شرم رها نمی کند. - مؤمن از گواهی دادن در حق غیر دوستان نیز دریغ نمی کند. - مؤمن از این که مورد ستایش و تمجید قرار گیرد، می ترسد. - همنشینی با مردمان نیکوکار موجب صلاح و رستگاری می شود. - رفتار به شیوه دانشمندان سبب افزایش خرد می شود. - آزار نرساندن نشانه کمال عقل و موجب آسایش در دنیا و آخرت است. - کسی که راهنمای دانایی ندارد، تباه می شود. - در شگفتم از کسی که از خوراکی به سبب زیانش می پرهیزد، ولی از گناه به سبب زشتی اش دوری نمی کند. - توبه نه به گفتار، که به بازگشت از امور ناشایست و انجام دادن کار نیک است. - مبادا به گناهی که می کنی شادمان شوی که شادمان شدن به گناه بدتر از انجام دادن گناه است.

حقوق متقابل خداوند و بندگانش

امام زین العابدین علیه السلام در مورد حق پروردگار بر بندگانش می فرماید: «حق بزرگ خدای متعال بر تو این است که در برابر آفریدگار خود سر فروتنی و پرستش فرود آوری و برای او شریک قرار ندهی و چنان که شاید با خلوص نیت به عمل پردازی. در آن صورت به ادای حق بزرگ الهی موفق گشته ای و متقابلاً به اخذ پاداش که مشتمل بر رو به راه شدن زندگی دنیا و آخرت است، نائل آمده ای. علاوه بر این، خداوند آنچه را که دوست داشته باشی به تو خواهد داد.

حق نفس بر انسان

امام زین العابدین علیه السلام در مورد حق نفس بر انسان می فرماید: حق نفس بر تو این است که با تمام نیرو و قدرت آن را تحت رهبری و اطاعت خداوند در آوری. بدین ترتیب که وظایف اعضای خویش مانند گوش و چشم دست و پا، زبان را مراعات کنی و در این کار از خداوند یاری بخواهی.

حق صدقه بر انسان

امام زین العابدین علیه السلام در مورد حق صدقه بر انسان می فرماید: سزاوار نیست که با صدقه دادن بر دیگران منت نهی؛ زیرا صدقه عملی است که نتیجه آن منحصرأ عاید تو می شود. پس چون بر کسی منت نهی، چنان باشد که کار خود را تقییح و عمل خود را تباه کرده ای. چنین فردی مانند کسی است که نیک و بد نزد او یکسان باشد. بدین ترتیب چگونه می توان گفت چنین شخصی به اصول اخلاقی پایبند است؟

حق معلم بر شاگرد

امام زین العابدین علیه السلام در مورد حق معلم می فرمایند: «حق استاد تو این است که در تعظیم و تکریم وی بکوشی و محضر او را بس موقر و محترم شماری و در فراگیری علم و دانش به کلمات و بیانات او به نیکی گوش فرا دهی و با روی گشاده و خویی آزاده و کامل و در کمال ادب و احترام به محفل و مجلس وی روی آوری و هرگز صدای خویش را بر صدای او بلندتر نسازی». آن حضرت در ادامه می فرمایند: «و نیز هیچ وقت در مجلس او با دیگران سخن نگویی و خاطر او را از این کردار آزرده نسازی. و نیز می باید معایب معلم خویش را پوشیده داری و صفات پسندیده او را آشکار کنی و نسبت به او دشمنی نکنی. اگر چنین رفتاری داشتی خداوند فرشتگان را گواه می کند که تیت تو الهی است و در راه خشنودی خدا به کسب علم پرداخته ای».

حق شاگرد

امام زین العابدین علیه السلام در مورد حق شاگرد می فرمایند: «اما حق آنان که به سبب فزونی دانش تو در محضرت به فراگیری مشغولند، آن است که بدانی خدای، عزوجل، به واسطه دانشی که به تو عنایت فرموده تو را بر ایشان سرپرست گردانیده است و ابواب دانش را به روی تو گشوده است. پس اگر در آموزش و پرورش آنان به نیکی رفتار کنی و از سؤالات ایشان دلتنگ و رنجور نگردی، خداوند بر فضیلت تو بیفزاید و ابواب دانش را بر رویت بگشاید و اگر از آموختن دانش به آنان سر باز زنی یا با خلق و خوی بد با آنان رفتار کنی، آن وقت است که خداوند علم را از تو بگیرد و فروغ دانش را از تو دور کند و مقام و منزلت تو را از دل ها بیرون افکند».

حق کسی که بر تو احسان کرده است

امام زین العابدین علیه السلام در مورد کسی که خوبی و احسان کرده است می فرمایند: «اما حق کسی که با تو به احسان و نیکی رفتار کرده این است که از او تشکر کنی و احسانش را به یاد داشته باشی، از او به خوبی یاد کنی و به درگاه خداوند با اخلاص برایش دعا کنی و این گونه در نهان و آشکار از او قدردانی کنی و بکوشی اگر روزی توانستی، رفتار خوب او را جبران کنی».

حق همنشین بر انسان

امام زین العابدین علیه السلام در مورد حق همنشین می فرمایند: «حق همنشین این است که او را به خوبی پذیری و به او خوشامد بگویی و در گفت و گو با وی منصفانه رفتار کنی. نگاه از او بر نگیری و به منظور آگاهی دادن با او سخن بگویی. اگر بر او وارد شدی می توانی هر زمان خواستی او را ترک گویی، ولی اگر او بر تو وارد شد وی را جز با اجازه او ترک نکنی».

حق شریک بر انسان

امام زین العابدین علیه السلام در مورد حق شریک بر انسان می فرمایند: «حق شریک آن است که اگر غایب باشد در انجام دادن کار او بکوشی و اگر حاضر بود با او برابر کار کنی و بدون مشورت و رأی او تصمیم نگیری. اموالش را حفظ کنی و در آنها خیانت نکنی؛ زیرا به ما گفته اند دو نفر که با یکدیگر شریک می شوند، تا وقتی به یکدیگر خیانت نکنند دست خداوند همراه آنان است».

حق مال بر انسان

امام زین العابدین علیه السلام درباره حق مال بر انسان می فرمایند: «حق دارایی است که جز از راه حلال آن را کسب نکنی و جز در راه حلال و به جا مصرف نکنی؛ زیرا خداوند آن را به تو عطا فرموده که جز در راه رضای او به مصرف نرسانی». آنگاه حضرت در ادامه می فرمایند: «شایسته نیست در راه به دست آوردن مال و به میراث گذاشتن آن خدا را معصیت کنی».

حق طلبکار بر انسان

امام زین العابدین علیه السلام در مورد حق طلبکار بر انسان می فرمایند: «اما حق طلبکاری که مال خود را از تو طلب می کند، آن است که در صورت امکان تلاش کنی بدهی خود را به او بپردازی و او را به رفت و آمد و دویدن وادار نکنی؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: توانگری که وامش را نپردازد، نوعی ستمکار است؛ و اگر قادر به پرداخت آن نیستی، با زبانی خوش از وی مهلت بخواه؛ زیرا این عملی ناپسند است که تو مال او را در اختیار گرفته باشی و با وی بدرفتاری کنی».

حق کسی که بر تو ادعایی دارد و شاکی است

امام زین العابدین علیه السلام در مورد حق مدعی و شاکی می فرمایند: «اما حق کسی که بر تو ادعایی دارد و شاکی است، چنانچه ادعای او درست است، حرف او را بپذیر و سخن او را رد نکن. خودت به جای قاضی حکم کن و به جای شهود، گواه او باش؛ زیرا اینگونه رفتار، حق خدا بر تو است؛ و اگر او درست نمی گوید و ادعایش باطل است با او مدارا رفتار کن، او را از نتیجه عملش بترسان و به دینش سوگند بده و با یادآوری خداوند از خشونت بکاه. از پرگویی و بدگویی پرهیز که به گناه او گرفتار می شوی و موجب دشمنی بیشتر او گردی؛ زیرا سخن ناروا سبب دشمنی است و سخن نیک به خیر و فضیلت می انجامد، و شر و فساد را خاموش می گرداند».

حق کسی که با تو مشورت می کند

امام زین العابدین علیه السلام در مورد حق کسی که با انسان مشورت می کند، می فرمایند: «حق کسی که با تو به مشورت پرداخته، این است که نظر خود را صریح و روشن بیان کنی. چنان که اگر خود به جای او بودی، همان می کردی». حضرت در ادامه می فرمایند: «اگر نتوانستی به او مشورتی بدهی، کسی را که آگاه و قابل اعتماد است به وی معرفی کن و از کمک به او دریغ نکن».

حق خردسالان

امام زین العابدین علیه السلام درباره حق خردسالان و کودکان می فرمایند: «حق کودک و خردسال آن است که وی را مورد مهر و محبت قرار دهی و در تعلیم و تربیتش بکوشی و نسبت به او گذشت و پرده پوشی داشته باشی و با وی با نرم خویی و ملایمت رفتار کنی و لغزش های کودکانه اش را نادیده بگیری». حضرت در ادامه می فرمایند: «به هر حال با وی با مدارا رفتار کن و از ستیز

و لجبازی دوری جوی؛ زیرا این امر موجب رشد و کمال وی می شود.

حق کسی که به تو بدی کرده است

امام زین العابدین علیه السلام در مورد برخورد با کسی که به انسان بدی کرده است، می فرماید: «حق کسی که در گفتار یا کردار با تو بدی کرده، این است که اگر عمداً مرتکب آن عمل شده، بهتر است وی را ببخشی تا کنیه و کدورت از بین برود» و اگر از روی عمد نبوده است، تو خطای او را به بدی پاسخ نده و با انتقام، به او ستم نکن و تا آنجا که مقدور است با نرمی و ملاطفت با وی رفتار کن.

حق هم کیشان

امام زین العابدین علیه السلام در مورد حق هم کیشان می فرماید: «حق هم کیشان آن است که نسبت به آنها با حسن نیت و مهربانی و نرمش رفتار کنی و چنانچه رفتار بدی از آنان مشاهده کردی، با آنان به مدارا رفتار کنی و محبت آنان را جلب کنی و به اصلاح کار آنها پردازی، و از آنان سپاسگذاری کنی». حضرت در ادامه می فرماید: «پس درباره ی همه ی آنها دعا کن و به یاری آنها پرداز و حرمتشان را در نظر بگیر؛ بزرگ آنها را به منزله ی پدر و کوچکشان را به منزله فرزند و میان سال آنها را برادر خود محسوب کن. هر کس از آنان پیش تو آمد با لطف و رحمت از وی دلجویی و چون برادر با وی رفتار کن».

آموزه های نورانی از برگ های زرین صحیفه ی سجادیه

اشاره

امام سجاد(ع)، کتاب ناطق پروردگار و خزانه رازهاست که به روشنی از مقام سر ذات الهی سخن می گوید. صحیفه ی سجادیه ی آن حضرت، چراغ روشن ایوان بزرگواری است و بر تمام کتابهای باعظمت برتری دارد و دربردارنده ۵۴ دعاست که در زمینه های گوناگون عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تربیتی و پاره ای از احکام شرعی و قوانین طبیعی در قالب دعا و مناجات بیان شده است. صحیفه ی سجادیه یکی از اثرهای گرانسنگ به جا مانده از امام سجاد علیه السلام است. صحیفه ی سجادیه که «زبور آل محمد صلی الله علیه و آله»، «انجیل اهل بیت» و «اخذ القرآن» لقب گرفته، در بردارنده ی ۵۴ دعاست که تاکنون بیش از شصت شرح بر آن نوشته شده است. صحیفه ی سجادیه تنها در بر دارنده ی راز و نیاز با خدا و بیان حاجت در پیشگاه وی نیست، بلکه دریای بی کرانی از علوم و معارف اسلامی است که مسائل گوناگون عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و پاره ای از قوانین طبیعی و احکام شرعی در آن آمده است. در سال ۱۳۵۳ ه. ق مرجع فقید، آیت الله العظمی مرعشی نجفی، نسخه ای از صحیفه ی سجادیه را برای طنطاوی، دانشمند بزرگ اهل تسنن و صاحب تفسیر معروف الجواهر به قاهره فرستاد. وی پس از ارج نهادن به این هدیه ی گران بها و ستایش فراوان از آن، در پاسخ چنین نوشت: «این از بدبختی ماست که تاکنون به این اثر گران بهای جاوید که از مواریث پیامبر است، دست نیافته بودیم. من هر چه در آن می نگرم، آن را از گفتار آدمیان، فراتر و از سخن پروردگار فروتر می یابم». آن صحیفه سر سجادی است کاشف راز عشق آن امام راستان را زان صحیفه آیت سجاد بیند دیده اهل صفا راز نهان را باغ دلها را خوش اوراق کتابش داد زینت همچو گل باغ جهان را در دعا راز و نیازش عاشقانه داد تعلیم حقایق انس و جان را

دعا در حق فرزندان

یکی از دعا‌های دل‌نشین صحیفه‌ی سجادیه، دعای امام سجاد علیه‌السلام درباره فرزندانش است که در بخش‌هایی از آن می‌خوانیم: «پروردگارا! بدن‌ها و دین و اخلاق آنها را به سلامت دار و به آنان در جان و جسم و هر آنچه برایشان مهم است، عافیت بخش. روزی آنان را به دست من گسترده ساز و آنان را نیکوکارانی پرهیزکار و بی‌نا و شنوای حق و فرمان‌بردار خودت قرار ده. خدایا! آنان را دوستان من قرار ده و بر من مهربان ساز و فرمان‌پذیر دستورهای من بگردان و مرا در تربیتشان و خوبی کردن به آنها یاری فرما. آنان را بر آنچه از تو می‌خواهم، یار و یاورم قرار ده و مرا و فرزندانم را از شرّ شیطان مصون بدار».

دعا در حق پدر و مادر

امام سجاد علیه‌السلام درباره پدر و مادر خویش این گونه به دعا می‌نشیند: «خداوندا! مرا به پاس داشت بزرگی پدر و مادر، توفیق ده و به مهربانی و نیکی به آنان و فرمان‌پذیری از آنان و خوش رفتاری با آنان، موفق بدار و اطاعت از آنان را در کام من شیرین و گوارا بگردان. خداوندا! صدایم را در برابر آنها آرام و گفتارم را بر آنان خوشایند فرما و خویم را با آنان نرم و قلبم را بر آنها مهربان ساز. خدایا! یاد آنان را در پس نمازهایم و در وقت‌های شب و روزم، از دلم مزدای و مرا به برکت دعا‌هایی که برای آنان دارم، بیامرز».

دعا در طلب آموزش گناهان

امام زین العابدین علیه‌السلام در یکی از دعا‌های خود در صحیفه‌ی سجادیه می‌فرماید: «بارخدا، ای که گناهکاران به رحمت فریاد رسی می‌کنند، و ای که بیچارگان به یادآوری احسانت پناه می‌برند، ای که خطاکاران از بیم تو به شدت گریه می‌کنند، ای همدم هر وحشت زده دور از وطن، ای گشایش هر اندوهگین دل شکسته، ای فریادرس هر درمانده تنها، ای مددکار هر محتاج رانده شده، تویی که رحمت و دانش همه چیز را فرا گرفته ... تویی که عفو بر عقابت غلبه دارد، و تویی که مهرت پیشاپیش غضبت در حرکت است ... و تویی که چون نعمت به کسی مرحمت کنی، چشم پاداش از او نداری ... اینک منم ای پروردگارم که در پیشگاهت به خاکساری در افتاده‌ام، منم که خطاها پشتم را گرانبار کرده، و منم که گناهان عمرم را به تباهی برده و منم که از سر جهالت تو را نافرمانی کرده‌ام، در صورتی که تو شایسته‌ی این نبودی که من چنین کنم».

گلچینی از اهداف تربیتی صحیفه‌ی سجادیه

اشاره

به همراه دعا‌های مربوط [۱] در قالب محور یابی، دعا [۲].

اهداف تربیتی در رابطه انسان با خدا

معرفت به خدا

سپاس و ستایش خدایی را سزااست که دیده‌های بینندگان از دیدنش ناتوانند و اندیشه‌های وصف‌کنندگان از عهده وصفش بر نیایند. به قدرت و توانایی خود، آفریدگان را آفرید و آنان را به اراده و خواست خویش پدید آورد، بی‌آنکه از روی نمونه‌ای باشد. [۳].

دست یابی به ایمان کامل

بارخدایا! ایمانم را به پایه‌ی کامل ترین ایمان برسان، و باورم را بهترین یقین ها قرار ده، و نیت مرا به نیکوترین نیت ها پایان ده، و کردارم را به بهترین کردارها برسان. [۴].

تقوا

و دلم را از پرهیزکاری خودت مالا مال کن. [۹]. بارخدایا! برای ما توشه ای از پرهیزکاری قرار ده. [۶]. یک - آثار تقوا و مرا از کسانی قرار ده که با بازدارى و نگه دارى تو، از گناهان و لغزش ها و خطا بسته و محفوظ مانده اند. [۷]. و ما را برای مقابله در برابر گمراهی شیطان از پرهیزکاری، توشه ده و خلاف راه او که راه تباهی است، ما را به راه پرهیزکاری ببر. [۸]. دو - صفات پرهیزکاران و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان در گسترده عدل و داد، و فرو نشاندن خشم، و خاموش کردن آتش دشمنی، و گردآوردن و الفت دادن پراکندگان، و اصلاح فساد بین مردم، و فاش کردن خیر و نیکی، و پنهان کردن عیب و زشتی، و نرم خویی و فروتنی و خوش رفتاری و آرام طبعی و سنگینی و خوش خویی و پیش دستی به کمال اخلاقی، و برگزیدن احسان، بی آنکه جزای احسانی باشد، و ترک عیب گویی و به غیر مستحق نیکی نکردن، و گفتن حق اگرچه سخت باشد و کم شمردن نیکی در گفتار و کردارم اگرچه بسیار باشد، و بسیار شمردن بدی در گفتار و کردارم اگرچه کم باشد. [۹].

پرورش روح عبادت و نماز

و شبم را آباد و با برکت گردان، به بیدار کردنم آن برای بندگی ات، و تنها بودنم به شب خیزی برای مناجات با تو. [۱۰]. و مناجات و راز و نیاز با خودت را در تنهایی و در شب و روز برایم آراسته و خوشایند گردان. [۱۱].

شکرگزاری

پس سپاس گزارنده ترین بندگانت از سپاس تو ناتوان هستند. [۱۲]. یک - فرهنگ شکرگزاری - شکرگزاری، تفضل الهی بارخدایا! کسی به پایان شکر سپاس تو نمی رسد، مگر اینکه از احسان و نیکی تو چیزی برای او فراهم می آید که او را به شکر دیگر وادار می گرداند. [۱۳]. - فراوانی نعمت به سبب شکر و فرمودی: «هرآینه اگر (مرا بر نعمتی که به شما داده ام) سپاس گزارید، شما را فزونی دهم و اگر ناسپاسی کنید، همانا کیفر من سخت است». [۱۴]. - قرار گرفتن در موضع آزمایش و نهی کرده تا شکر و سپاس گزاریمان را آزمایش کند. [۱۵]. - حق شناسی، رمز تفکیک انسان از حیوان سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسگزاری خود بر نعمتهای پی در پی که به ایشان داده و بخششهای پیوسته که برای آنها تمام گردانیده است، باز می داشت، هرآینه، نعمتهایش را مصرف می کردند و او را سپاس نمی گزاردند ... اگر چنین می بود و شکر نمی کردند، از حدود انسانیت به مرز حیوانیت روی می -آوردند. [۱۶]. دو - آثار تربیتی شکر؛ رسیدن به مقام رضا پس نمی دانم ای خدای من! کدام یک از این دو حالت به سپاسگزاری تو واجب تر و کدام یک از این دو هنگام، برای ستایش تو سزاوارتر است؛ هنگام تندرستی یا بیماری؟ بارخدایا! بر محمد و آل او درود فرست و آنچه را برایم پسندیده ای، محبوب من گردان. [۱۷].

توبه

بارخدایا! به سوی تو باز می گردم و توبه می کنم؛ تو به کسی که رجوع به گناهی را در دل نمی گذارد و پس از توبه در گناهی باز

نمی گردد. توبه خالصی که از شک و دودلی پاکیزه باشد. پس آن را از ما قبول فرما و از ما خشنود شو و ما را بر آن پابرجا گردان. [۱۸].

اهداف تربیتی در رابطه انسان با خود

پرورش حس خداجویی

به قدرت و توانایی خود، آفریده ها را نیکو و زیبا آفرید و آنان را به خواست خویش به وجود آورد، بی آنکه از روی مثال و نمونه ای باشد. سپس آنان را در راه اراده خویشان روان گردانید و در راه محبت و دوستی خود برانگیخت. [۱۹].

پرورش حس فضیلت جویی

بارخدایا، عزیز و گرامی ام دار و به کبر و خودپسندی و خودبینی دچارم مکن، و مرا به بندگی خودت توفیق ده، و عبادتم را به خودپسندی تباه مگردان، و خیر و نیکی برای مردم را به دست من روان ساز، و آن را به منت نهادن باطل مفرما، و خواهی پسندیده را به من ببخش، و مرا از به خود نازیدن نگاهدار. [۲۰].

پرورش غرایز و خواست های طبیعی آدمی

یک- روزی به اندازه و از تو می خواهم برای روزی ام، راهی آسان فراهم کنی. پس بر محمد و آل او درود فرست و روزی ام را بر من آسان گردان و مرا به اندازه ای که برایم تعیین فرموده-ای، قانع و خشنود ساز و به بهره ام در آنچه بهره من گردانیده ای، خشنودم فرما و آنچه از تن و عمرم سپری شده و رفته است، در راه فرمانبرداری ات قرار ده؛ زیرا تو بهترین روزی دهندگانی. [۲۱].
دو- شکر گزاری و سرکشی نکردن و در رزق و روزی عطا فرموده، فراخی می یافتند و شکرش را به جا نمی آوردند و اگر چنین می بودند و شکر نمی کردند، از حدود انسانیت به مرز حیوانیت روی می-آوردند. [۲۲]. سه- شرکت دادن دیگران در نعمت های الهی و ما را در این روز و این شب و همه روزهای مان توفیق عطا فرما برای انجام نیکی و کمک کردن به ناتوان. [۲۳]. چهار- هدایت میل جنسی و شهوت و خواهش را از هر حرام و منع شده ای بشکن. [۲۴].

اهداف تربیتی در رابطه انسان با دیگران

اهداف تربیتی در روابط خانوادگی

یک- وظایف فرزند در برابر والدین و پدر و مادر مرا به بهترین پاداش که به آن، پدران و مادران بندگان با ایمانت را اختصاص داده ای، امتیاز ده. [۲۵]. بارخدایا! صدایم را در برابر ایشان پایین تر و سخنم را خوشایند و خویم را نرم- ساز، و دلم را برای آنها مهربان کن و مرا به ایشان مهربان و دل سوز گردان. [۲۶]. و مرا به وسیله دعا برای ایشان و ایشان را به سبب مهربانی شان به من بیامرز؛ آمرزشی پابرجا. [۲۷]. دو- وظایف والدین در برابر فرزند بارخدایا! روزی هایشان را برای من و به دست من فراوان گردان، و مرا در پرورش ایشان یاری فرما. [۲۸]. و کیش ها و خواهیشان را برای من سالم بدار و مرا در تربیت ایشان یاری فرما. [۲۹].

اهداف تربیتی در روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی

فراهم کردن زمینه ایجاد برادری

و آنان را توفیق ده برای برپا داشتن طریقه و روش حفظ احکام و فراگرفتن اخلاق نیک که بندگان را به آن امر فرموده ای. [۳۰]

میل به وظایف و مسئولیت ها در قبال یکدیگر

و آنان را توفیق ده در فراگرفتن زیبایی های فرهنگ خودت در مهرورزی، و کمک به ناتوانان شان، و بستن شکاف فقر و نیازمندی شان، و رفتن نزد بیمارشان، و راهنمایی کردن راهجو و اندرز دادن مشورت کننده شان، و دیدار از سفر آمده شان، و پنهان کردن رازهاشان، و پوشاندن عیبهایشان، و یاری کردن ستم دیده شان، و سود رساندنشان به بخشش فراوان، و دادن آنچه ایشان را واجب و لازم است پیش از درخواست. [۳۱]

امر به معروف و نهی از منکر

بارخدا! ما را در این روز و این شب و همه روزها مان توفیق عطا فرما برای انجام امر به معروف و نهی از منکر، و حفظ و نگه داری اسلام، و نکوهش باطل و نادرستی، و خوار شمردن آن، و یاری حق و گرامی داشتن آن. [۳۲]

انفاق و صدقه

بارخدا! بر محمد و آل او درود فرست و روزی های مرا از وسایل حلال روان گردان و انفاق و خرج کردنم را در راه های خیر و نیکی بگردان. [۳۳]

فرهنگ بهینه مصرف

و مرا از اسراف و زیاده روی بازدار و به بخشیدن و میانه روی در زندگی، مستقیم ساز و روش نیکو در زندگی را به من بیاموز و مرا به لطف خود از بی جا خرج کردن باز دار. [۳۴]

فرجام نیک

آن گاه که امام سجاد علیه السلام در آستانه شهادت قرار گرفت، هنگام مرگ، دمی بیهوش شد و چون چشم خود را گشود، سوره ی واقعه و سوره ی فتح را خواند. سپس گفت: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعِدَّهُ وَأَوْرَثَنَا الْآءَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ. سپاس خدایی را که به ما وعده راست فرمود و بهشت را میراث ما کرد تا هر جا که خواهیم جای گیریم. پس چه نیک است پاداش عمل کننده ها. امام سجاد علیه السلام وصیت کرده بود که در مرگشان، کسی را خبر نکنند و ایشان را زود به خاک بسپارند، ولی هنگام تشییع و دفن آن حضرت، انبوهی از دوستان اهل بیت گرد آمدند که مدینه مانند آن را کمتر به خود دیده بود. حجاب چهره جان می شود غبار تنم خوشا دمی که از آن چهره پرده بر فکنم چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانی است روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم

پاورقی

[۱] حاج سید علی فیض الاسلام، ترجمه و شرح صحیفه ی سجادیه، انتشارات فیض الاسلام، زمستان ۱۳۶۸. [۲] نک: علی

اصغر ابراهیمی فر، بررسی نظام تربیتی صحیفه‌ی سجادیه، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۵، چ ۱، صص ۱۲۸-۱۷۲. [۳] صحیفه سجادیه، دعای ۱، بند ۲ و ۳. [۴] همان، دعای ۲۰، بند ۱. [۵] دعای ۲۱، بند ۹. [۶] دعای ۱۷، بند ۵. [۷] دعای ۲۵، بند ۱۰ و ۱۱. [۸] دعای ۱۷، بند ۵. [۹] دعای ۲۰، بند ۱۰. [۱۰] دعای ۴۷، بند ۱۲۳. [۱۱] دعای ۴۷، بند ۱۱۰. [۱۲] دعای ۳۷، بند ۳. [۱۳] دعای ۳۷، بند ۱. [۱۴] دعای ۴۵، بند ۱۴. [۱۵] دعای ۱، بند ۲۱. [۱۶] دعای ۱، بند ۸ و ۹. [۱۷] دعای ۱۵، ۲، ۳، ۴، و ۶. [۱۸] دعای ۴۵، بند ۵۲. [۱۹] دعای ۱، بند ۳ و ۴. [۲۰] دعای ۲۰، بند ۳. [۲۱] دعای ۳۲، بند ۲۸. [۲۲] دعای ۱، بند ۸ و ۹. [۲۳] دعای ۶، بند ۱۸. [۲۴] دعای ۳۹، بند ۱. [۲۵] دعای ۲۴، بند ۱۲. [۲۶] دعای ۲۴، بند ۶. [۲۷] همان، بند ۱۴. [۲۸] دعای ۲۵، بند ۲ و ۵. [۲۹] همان. [۳۰] دعای ۲۶، بند ۳. [۳۱] همان، بند ۲. [۳۲] دعای ۶، بند ۱۸. [۳۳] دعای ۳۰، بند ۳. [۳۴] همان.

